

تحلیلی بر رابطه اشتغال و تمایل به فرزندآوری در بین زنان شاغل در آستانه ازدواج در سطح استان‌های کشور

محمود مشفق^۱

قدرت مرادی ثانی^۲

سحر حسین‌خانی^۳

چکیده

این مقاله، به مطالعه رابطه بین اشتغال زنان و نگرش آنها به فرزندآوری در سطح استان‌های کشور می‌پردازد. در این مقاله از داده‌های گردآوری‌شده توسط پژوهشکده آمار در خصوص بررسی فرزندآوری در بین زنان و مردان در آستانه ازدواج استفاده شده است. حجم نمونه زنان شاغل مورد مطالعه برابر با ۱۵۴۶ نفر است. نتایج نشان می‌دهد که شاغل بودن و گروه شغلی اثرات معناداری بر تمایلات فرزندآوری و فاصله‌گذاری بین موالید دارد و از نظر آماری تفاوتها بین میانگین تعداد فرزندان و تمایل به فرزندآوری بین زنان شاغل و غیر شاغل معنادار شد. همچنین بین میانگین تعداد بچه‌های زنان بر حسب گروه‌های شغلی تفاوت معنادار مشاهده شد، این اختلاف در بین زنان شاغل در بخش آزاد و خصوصی بیشتر محسوس بود. یافته‌های این پژوهش نشان داد بیش از ۵۰ درصد زنان شاغل مورد مطالعه در استان‌های چهارمحال و بختیاری، ایلام و کهگیلویه و بویر احمد تمایل به داشتن ۳-۴ بچه هستند، در حالیکه ۸۹،۷،۹۲ و ۸۸ درصد زنان شاغل به ترتیب در استان گیلان، البرز و فارس بطور متوسط خواستار ۲-۱ بچه هستند. تمایل به بیشترین زمان فاصله‌گذاری بین تولدها در بین زنان شاغل استان‌های همدان (۴۵ درصد)، سمنان (۴۱،۷ درصد) و خوزستان (۴۱،۴ درصد) و در مقابل، تمایل به کمترین فاصله‌گذاری زمانی بین تولدها در بین زنان شاغل ساکن در استان‌های فارس (۳۴ درصد)، مرکزی (۳۴،۱ درصد) و چهارمحال بختیاری (۴۲،۹ درصد) مشاهده شد.

واژگان کلیدی: فرزندآوری، اشتغال زنان، رفتارهای باروری، نگرش زنان.

^۱ . استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

^۲ . کارشناس ارشد رشته جمعیت‌شناسی

^۳ - کارشناس ارشد رشته جمعیت‌شناسی

مقدمه

عوامل متعدد (اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی) می‌تواند در رفتار باروری زنان مؤثر باشد که از آن جمله می‌توان اشتغال، درآمد، سطح تحصیلات، میزان مرگ‌ومیر کودکان و سن ازدواج و ... نام برد که در الگو و سطح باروری تأثیرگذار هستند در این بین یکی از متغیرهای اساسی وضع شغلی زنان است. اشتغال زنان از جمله عوامل تأثیرگذار بوده و تمایلات زنان برای فرزندآوری را به لحاظ اجتماعی و اقتصادی تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. در گذار جوامع از سنتی به جوامع صنعتی، نقش زنان نیز دچار تغییر و تحول شده است. در جامعه سنتی بیشتر زنان به کارهای خانه‌داری و کمک به همسر مشغول بوده‌اند. در حالی که در جوامع صنعتی زنان به دنبال کارهای بیرون از منزل و در فکر کمک به اقتصاد کشور می‌باشند.

زوجین با توجه به وضعیت و موقعیت اقتصادی و اجتماعی خود تصمیم به فرزندآوری می‌کنند. آنها با احتساب هزینه‌ها و فواید فرزندان و در نظر داشتن شرایط ویژه خود در این زمینه تصمیم‌گیری می‌کنند. بسیاری از زنان با توجه به این که می‌خواهند از لحاظ مالی و اقتصادی مستقل باشند، تمایل دارند که بیرون از خانه مشغول به کار شوند. زنان با احتساب اینکه اگر فرزندی به دنیا بیاورند، بایستی به کار خانه‌داری و فرزندداری مشغول شوند و فرصت‌های شغلی در بیرون از خانه را از دست بدهند، ممکن است فرزندآوری خود را به تأخیر اندازند و یا اصلاً تمایلی به داشتن فرزند نشان ندهند.

جمعیت‌شناسان طی سال‌های اخیر به طور فزاینده‌ای به مطالعه موضوع اشتغال زنان یا مشارکت اقتصادی زنان در بازار کار و اثر آن بر رفتارهای باروری پرداخته‌اند. این علاقه‌مندی عمدتاً ناشی از این واقعیت است که موضوع اشتغال زنان یا مشارکت زنان در بازار کار دارای اثرات متعددی بر متغیرهای جمعیتی (شامل الگوهای ازدواج و باروری، مهاجرت و مرگ‌ومیر) است. در این میان، روابط بین اشتغال زنان و رفتارهای باروری بیش از سایر متغیرهای جمعیتی مورد توجه جمعیت‌شناسان قرار گرفته است. به طور کلی، اشتغال زنان در خارج از خانه می‌تواند رفتارهای باروری زنان را تحت تأثیر قرار دهد. تحصیلات و اشتغال به عنوان مهم‌ترین شاخص‌های منزلت و استقلال زنان محسوب می‌شود، ضمن آن که نتایج مطالعات گسترده در کشورهای مختلف نشان‌دهنده این واقعیت کلی است که ویژگی‌های جمعیت‌شناسی ارتباط تنگاتنگی با منزلت و استقلال زنان دارد. (فروتن، ۱۳۸۷: ۱۷۲). بر اساس تحقیق دی‌لات^۱

^۱. De Leat

(۲۰۰۶) رابطه معکوسی بین اشتغال زنان و باروری وجود دارد. به طوری که زنان شاغل کمتر از زنان غیرشاغل تمایل به باروری دارند. نتایج این تحقیق که به بررسی کشورهای OECD پرداخته، نشان می‌دهد که کشورهایی مانند ایتالیا، اسپانیا و ژاپن با اینکه میزان باروری در این کشورها کاهش یافته است، اما افزایش اندکی در بازار کار زنان رخ داده است.

تحصیلات نیز یکی از مهمترین شاخص‌هایی است که بر منزلت و شخصیت افراد می‌افزاید. علاوه بر این، افرادی که دارای تحصیلات بالاتری هستند، انتظار دارند تا زمینه اشتغال و استقلال مالی آنها فراهم گردد، تا بتوانند هم در فعالیتهای اقتصادی مشارکت کنند و هم از لحاظ مالی مستقل باشند. بالا رفتن تحصیلات خود باعث افزایش سن ازدواج و به تعویق انداختن فرزندآوری می‌شود. همچنین به نظر می‌رسد فاصله زیاد بین موالید به معنی تولد تعداد بچه‌های کم است. بعنوان مثال یافته‌های کوهلر (۲۰۰۱) نشان می‌دهد یک سال تأخیر در اولین تولد به اندازه سه درصد کاهش در باروری کل می‌باشد. احتمالاً این تأخیر در بچه‌دار شدن در دهه‌های اخیر را می‌توان در نتیجه افزایش مشارکت زنان در بازار کار و با تمایل آنها به ادامه تحصیل و همچنین به دشواری شرایط بچه‌دار شدن نسبت داد. بنابراین زمانبندی اولین تولد و همچنین فاصله گذاری موالید از لحاظ تأثیری که در سطح کلان بر میزان باروری کل جامعه و در سطح خرد بر تعداد فرزندان یک خانواده و کیفیت سطح زندگی والدین و فرزندان می‌گذارد مسئله‌ای در خور توجه است.

در ایران، در دو دهه اخیر حضور و فعالیت زنان در فعالیتهای خارج از خانه از جمله مشارکت اقتصادی و حضور گسترده در مراکز آموزش عالی کشور بسیار چشمگیر بوده است. این تحول در موقعیت اقتصادی و اجتماعی زنان، رفتارهای جمعیتی آنان را از جمله ازدواج و فرزندآوری را تحت شعاع قرار داده است. بطوری که زنان شاغل و ساکن در مناطق شهری ایران کمترین سطوح باروری را دارند. هدف اصلی مقاله، بررسی نگرش به فرزندآوری بین گروههای زنان شاغل است. مهمترین سوالاتی که در این مقاله به آن‌ها پاسخ داده خواهد شد، عبارتند از: آیا بین زنان شاغل و غیر شاغل از نظر تعداد فرزندان تفاوت معنادار وجود دارد؟ فاصله گذاری سنی مطلوب در بین تولدها از نظر زنان شاغل و غیر شاغل چگونه است؟ تفاوت‌های استان در بین زنان شاغل در زمینه نگرش به فرزندآوری به چه صورت است؟ آیا بین وضعیت شغلی زنان (خصوصی، عمومی، تعاونی و آزاد) و تمایل به فرزندآوری رابطه معنادار وجود دارد؟

مبانی نظری

نظریات مختلفی در تبیین اشتغال زنان و رابطه آن با باروری مطرح شده است. هر یک از نظریه‌ها از دیدگاه خاصی به موضوع باروری می‌نگرد و تحولات باروری را تبیین می‌کند. محققان جمعیتی با به‌کارگیری این نظریه‌ها سعی می‌کنند چارچوبی برای تحلیل تحولات اشتغال و باروری مطرح و استخراج کنند. اما به دلیل پیچیدگی جهان اجتماعی و دنیای پیرامون نمی‌توان یک نظریه جامع و کامل عنوان کرد. (عباس شوازی، ۱۳۸۰: ۲۰۲). مهمترین نظریات مورد استفاده در این مقاله شامل نظریات گذار جمعیتی و نوسازی است.

به طور خلاصه، نظریه گذار جمعیتی، ترسیم و تبیین‌کننده گذر از یک تعادل جمعیتی به تعادل دیگری است. گذر از تعادل طبیعی یا بیولوژیک بین نرخ‌های بالای ولادت و مرگ به تعادل ارادی یا اقتصادی بین نرخ‌های پایین ولادت و مرگ و میر. حداقل این دو تعادل، دوره گذار جمعیتی است. در این دوره است که تعادل طبیعی بین نرخ‌های ولادت و مرگ به هم می‌خورد و جمعیت‌ها تا تحقق تعادل ارادی، افزایش بی‌سابقه‌ای را در حجم خود تجربه می‌کنند. دوره گذار را هم به دو مرحله تقسیم می‌کنند. در مرحله اول گذار، تحولات اجتماعی و اقتصادی بر احتمال وقوع مرگ مؤثر است. در این مرحله، در پی تحولات مزبور، سطح مرگ و میر پایین می‌آید، حال آن‌که باروری تقریباً در سطح سابق باقی می‌ماند. بنابراین در مرحله اول دوره گذار، باثبات نسبی سطح باروری و تقلیل تدریجی و حتی شتابان (نظیر ایران) سطح مرگ و میر، حجم جمعیت با آهنگ و در اندازه‌هایی که در تاریخ بی‌سابقه است، افزایش پیدا می‌کند. در مرحله دوم دوره گذار، سطح باروری هم، در پی تقلیل سطح مرگ و میر، ولی با تأخیر زمانی، به تدریج پایین می‌آید. فاصله بین نرخ خام ولادت و نرخ خام مرگ برخلاف جهت مرحله اول، به تدریج کم می‌شود. با تقریب سطح کنترل‌شده باروری به سطح از قبل پایین آمده مرگ و میر، آن‌هم در پایین‌ترین سطح، تعادلی نوین بین باروری و مرگ و میر برقرار می‌شود، تعادلی که برنامه‌ریزی‌شده و در محدوده‌ای که طبیعت اجازه می‌دهد انسانی و اختیاری است (سرای، ۱۳۷۶: ۲).

تأثیر تحصیلات بر سن ازدواج را می‌توان با نظریه نوگرایی به‌خوبی تبیین نمود، این نظریه کاهش فرزندآوری را از نتایج مدرنیزاسیون می‌داند. و تحصیلات یکی از مؤلفه‌های آن می‌باشد. و با شکل‌گیری مدرنیته؛ زمینه‌های افزایش سطح تحصیلات برای افراد به‌خصوص زنان بیشتر شده و این افزایش تحصیلات ورود به بازار کار برای زنان را فراهم می‌کند. زیرا با گسترش

تحصیلات زنان، زمینه بهتری برای اشتغال آنها در جامعه فراهم شده که هر دوی این‌ها می‌توانند سبب تأخیر در تشکیل خانواده و در نتیجه فرزندآوری دیرتر و کمتر داشته باشند.

نظریه‌های اقتصادی باروری فرزندان را به عنوان کالا در نظر می‌گیرند. افراد سبک‌سنگین می‌کنند و ارزیابی هزینه‌ها و منافع داشتن فرزند را مورد بررسی قرار می‌دهند. و اگر داشتن فرزند با منفی برای آنها همراه باشد، مثلاً نقش اقتصادی در خانواده ایفا کنند، در فرزندآوری آنها نقش مهمی ایفا می‌کند و تمایل آنها را برای فرزندآوری افزایش می‌دهد. و اگر داشتن فرزند با هزینه‌هایی همراه باشد و هزینه فرصت بیشتری بر خانواده تحمیل کند آنها تمایل کمتری به فرزندآوری خواهند داشت. در نتیجه تمایل به فرزندآوری کم‌رنگ می‌شود. بنابراین نگرش زنان نسبت به فواید فرزندآوری بر روی تجربه بارداری تأثیر داشته است. نظریه نوسازی بر این ایده استوار است که در جوامع ماقبل مدرن، جوامع به وسیله سنت هدایت می‌شدند و با شکل‌گیری مدرنیته تغییرات سریعی در بخش‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع رخ خواهد داد. (محمودیان، ۱۳۸۳: ۳۰). در جریان نوسازی بسیاری از کارکردهای قدیمی خانواده به سازمان‌ها و نهادهای دیگر واگذار شد و شبکه اجتماعی را جایگزین شبکه خانوادگی کرد. گسترش و همگانی شدن تحصیلات یکی از رهاوردهای مهم نوسازی است، نوسازی از طریق گسترش تحصیلات عمومی و فراهم کردن امکان حضور در فعالیتهای بیرون از خانه موقعیت زنان را بهبود بخشیده است. موقعیت بهبود یافته زنان بخصوص مشارکت اقتصادی و اجتماعی آنان با افزایش سن ازدواج، کاهش فاصله سنی بین زوجین، افزایش قدرت تصمیم‌گیری در خانواده و کاهش باروری همراه بوده است (کسترلاین ۱۹۸۶^۱ هالمن ۲۰۰۳^۲ به نقل از محمودیان ۱۳۸۳).

به اعتقاد پارسونز نوگرایی و نوسازی به طور کلی شامل فرایند تفکیک جنسیتی می‌باشد. به نظر طرفداران این دیدگاه رشد تکنولوژی که ناشی از افزایش روند صنعتی شدن می‌باشد، باعث تغییر ساخت شغلی، فرصت‌های تحصیلی و ترکیب خانواده در اقتصاد پولی می‌شود. اقتصاد جدید سبب ایجاد صنایع خدماتی و رشد مشاغل طبقه متوسط گردیده که اشتغال زنان از ویژگی‌های آن است. افزایش فرصت‌های شغلی برای زنان همراه با کاهش تمایل آنها به فرزندآوری می‌باشد. (پارسونز به نقل از زنجانی، ۱۳۸۹: ۱۷۵). فراهم ساختن زمینه‌های اشتغال زن در فعالیتهای خارج از خانه موجب کاهش باروری می‌شود. وقتی زن کار می‌کند، نقش او به‌عنوان کارمند با نقش او به‌عنوان مادر تضاد پیدا می‌کند و کمتر بودن تعداد فرزندان از فشاری

^۱ Casterline

^۲ Halman

که این تضاد به وجود می‌آورد می‌کاهد. اغلب تحقیقات نشان‌دهنده رابطه مستقیم بین کار خارج از خانه و فرزندان کمتر آنان است.

کاهش تعداد موالید راه حلی برای کاهش تضاد موجود بین نقش اقتصادی و نقش خانوادگی به حساب آمده است. مثال‌های فراوان در این زمینه می‌توان ارائه کرد. وضع انگلستان در فاصله سال‌های ۱۸۷۱ تا ۱۹۳۱، و وضع اغلب کشورهای اروپایی شرقی در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم از آن جمله است. (همان). پرستون^۱ (۱۹۸۶: ۱۷۷) در تبیین تغییرات باروری در کشورهای در حال توسعه در سال‌های پس از جنگ جهانی به سه دسته اصلی عوامل اقتصادی، فناوری پیشگیری از حاملگی و نظام ارزش‌ها اشاره می‌کند و بر این باور است که برای فهم کامل تغییرات باروری در هر زمان و مکانی در نظر گرفتن هر سه رویکرد ضروری است. در مدل اقتصاد خرد باروری بر اهمیت ارزش وقت زنان عاملی که شمار فرزندان دلخواه او و همسرش را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تأکید شده است. بکر^۲ از طریق تحلیل نقش مشارکت نیروی کار زنان به بسط یک مدل تئوریک برای درک رابطه‌ی باروری و اقتصاد پرداخت. این رویکرد بر هزینه‌ی فرصت زمان مادران تأکید می‌کند و پیش‌بینی می‌کند که افزایش دستمزد زنان تأثیر منفی بر تقاضا برای کودکان داشته باشد. هنگامی که ارزش زمان اختصاص یافته برای کار یک زن - به خاطر دستمزد بالاتری که به او ارائه می‌شود - افزایش بیابد، ارزش نسبی زمانی که در منزل می‌گذرد لزوماً کاهش خواهد یافت. پس هزینه‌ی فرصت داشتن فرزند برای یک زن در بازار کار افزایش می‌یابد. بنابراین، افزایش درآمد ناشی از مشارکت بیشتر زنان در بازار کار و به‌طور کلی افزایش فرصت‌های زمان زنان عامل مهمی در تصمیم‌گیری خانوار درباره‌ی شمار کودکان است و می‌تواند تأثیر منفی بر باروری داشته باشد. (گروگان^۳، ۲۰۰۶: ۳۷۵).

تأکید اقتصاددانان نئوکلاسیک خانوار بر ارزش وقت مادران و رابطه‌ی آن با هزینه‌های کودکان، این دیدگاه را تقویت کرد که موقعیت اجتماعی و استقلال زنان احتمالاً یک عامل مداخله‌گر مهم بین نوسازی اقتصادی و باروری است. (کله لند^۴ و ویلسون^۵، ۱۹۸۷، ۷). با افزایش درآمد

^۱. Preston

^۲. Becker

^۳. Grogan

^۴. Cleland

^۵. Wilson

زنان، تعداد باروری کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر به علت افزایش هزینه فرصت نگهداری از فرزند، با افزایش درآمد زنان تقاضای برای فرزند کاهش می‌یابد.

به اعتقاد ویل^۱ ویژگی‌های رفتار باروری سبب شده است که تحلیل باروری در قالب انتخاب تئوریک مشکلی شود: (۱) تولید و پرورش کودکان رفتاری‌های غیر بازاری هستند که ارزش مبادلاتی بسیاری ناچیزی به منظور تهیه اطلاعات درباره هزینه یا ارزش عرضه کودکان به فضای بیرونی دارد. والدین عرضه و تقاضاکننده کودکان می‌باشند. (۲) کودکان و فعالیت‌های رقابتی خانوارها هر دو مستلزم هزینه زمانی و مالی خانوارها می‌باشد. (۳) وظیفه والدین یک رفتار بلندمدت گسترده و حتی گاهی فراتر از دوره زندگی والدین می‌باشد. (۴) تفاوت هزینه‌ها در به دنیا آوردن و پرورش کودکان از یک خانواده به خانواده دیگر و از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر نشان می‌دهد که وظایف والدین نسبت به کودکان یک برنامه معین از هزینه‌های هر کودک نمی‌باشد. در عوض، بر اساس اخلاق و قانون، والدین باید یک برنامه‌ریزی در مخارج خود در جهت شکل دادن ویژگی کودکان در راستای خواسته والدین انجام دهند. مفهوم هزینه کودکان در صورت لحاظ نکردن کیفیت کودکان در تحلیل دچار یک تناقض گویی خواهد شد. (۵) داشتن کودک برای والدین می‌تواند به صورت مستقیم یعنی از طریق لذت فرزند داری و هم به صورت غیرمستقیم از طریق درآمدزایی فرزندان و یا مشارکت در فعالیت اقتصادی خانواده برای والدین مطلوبیت به همراه داشته باشد. بنابراین رفتار باروری می‌تواند توسط ملاحظات مصرف پس‌انداز یا سرمایه‌گذاری تعیین شود. (۶) خانواده‌ها نمی‌توانند کنترل مستقیم روی تعداد فرزندان که به سن بلوغ می‌رسند، داشته باشند. تابع مطلوبیت خانواده انعکاسی است از سلايق تمام خانواده‌ها که توسط والدین خود در حداکثرسازی مذکور به حساب آورده می‌شود. فرض می‌شود والدین تمام تصمیمات را می‌گیرند. فرض می‌شود زوج کنترل کامل و بی‌هزینه بر باروری خود دارند و دارای آینده‌نگری لازم درباره تمام تغییرهای اقتصادی و جمعیت‌شناختی مربوط به ازدواج خودشان هستند، به طوری که برنامه زندگی که آنها قبل از ازدواج تعیین کرده‌اند، همراه مشاهدات پیشروی آنها از باروری کامل آنها می‌باشد (پروین، ۱۳۹۳: ۲۰).

^۱. Will

مبانی تجربی

شانگ لو^۱ (۲۰۰۴) در تحقیقی تحت عنوان «اشتغال و فاصله‌گذاری برای دومین فرزند در فیلیپین» به بررسی چگونگی تأثیر کار زنان در دوره‌ی پس از ولادت فرزند اول بر فاصله‌گذاری فرزند بعدی آنها با استفاده از داده‌های پیمایش سلامت و جمعیت (DHS) سال ۱۹۹۳ کشور فیلیپین پرداخته است. نتایج این تحقیق حاکی است که اشتغال زنان، احتمال رویداد فرزند دوم را به تأخیر می‌اندازد و بازگشت سریع بر سرکار، با احتمال تولد فرزند دوم رابطه معناداری دارد. (شانگ لو، ۲۰۰۴).

مهریار و همکاران (۲۰۰۳) مطالعه‌ای با هدف بررسی رابطه بین تحصیلات و فعالیت اقتصادی زنان بر باروری در ایران انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق حاکی از ارتقاء قابل توجه سطح تحصیلی زنان و همبستگی منفی آشکار بین باروری و تحصیلات زنان است. این مطالعه نشان می‌دهد که همبستگی بالایی میان فعالیت اقتصادی زنان و رفتار باروری آنها وجود دارد. در مجموع استان‌هایی با میزان بالای اشتغال زنان، باروری پایین‌تر و میزان استفاده از وسایل جلوگیری از بارداری بالاتری دارند. همچنین در سطح فردی زنان فعال از لحاظ اقتصادی تمایل به باروری پایین‌تری دارند.

توگنده (۱۹۹۸) به بررسی تأثیر اشتغال زنان بر باروری در مناطق شهری نیجریه پرداخته است. وی این بحث را به میان می‌آورد که به دو دلیل اشتغال زنان تأثیر منفی مداومی را روی باروری در آفریقا آن‌طور که در کشورهای پیشرفته دارد، ندارد. اول آنکه سازمان گسترده خانواده در آفریقا مادران را برای پرورش فرزندان متعددی مهیا می‌کند، دوم آنکه با وجود ساختار پدرسالار، اکثراً جوامع آفریقایی زنان تمایل کمی به گفتگو در مورد اتخاذ تصمیم راجع به تعداد فرزندان می‌خواهند دارند که این امر به دلیل کنترل شوهران یا وابستگان شوهر در فرایند باروری است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که با کنترل متغیرهایی چون پایگاه اجتماعی زنان و ویژگی‌های خانوادگی آن تأثیر اشتغال روی باروری جاری مثبت و در سطح بالا دارای معنا می‌شود. به عبارت دیگر، زنان شاغل به صورت رسمی یا غیررسمی نسبت به زنان غیر شاغل بیشتر علاقه‌مند هستند تا یک یا دو فرزند در طول دوره ۵ ساله داشته باشند.

^۱. Sheng Leo

هوم (۱۹۹۰) در تحقیق خود با عنوان سیاست اجتماعی و تغییرات اخیر باروری در سوئد به این نتیجه رسید که در سوئد همانند بسیاری از کشورهای صنعتی شده کاهش TFR مقطعی در اواخر دهه ۱۹۷۰ متوقف شد و از میانه دهه ۱۹۹۸ رو به افزایش گذاشت. هر چند این TFR مقطعی هیچ وقت در این کشور خیلی کم نشد و هنوز تا حد زیادی حفظ شده است. در سوئد به طور عمده‌ای از زنان شاغل حمایت می‌شود، تا مزایای شغلی یا تحصیلی خود را از دست ندهد. در نتیجه این حمایت‌ها، میزان باروری به نسبت شرکت زنان در بازار کار در حال افزایش است. جمعیت فعلی زنان در این کشور احساس می‌کنند که حقوقشان به‌عنوان مادر و به‌عنوان کارمند (نیروی کار) به‌خوبی حفظ شده است. بنابراین برای بچه‌دار شدن بیشتر احساس امنیت می‌کنند. علاوه بر آن برای آنها داشتن تعداد بیشتری از بچه‌ها همراه با پرستیژ اجتماعی بالاتر است. این شرایط اجتماعی رضایت‌بخش برای خانواده‌ها موجب شده است که افراد نسبت به تنظیم خانواده خود هم نظرات باثبات‌تری داشته باشند (هوم، ۱۹۹۰).

پروین در سال ۱۳۹۳ در پایان‌نامه خود «اثر فعالیت اقتصادی زنان و ویژگی خانوارها با باروری» را مورد بررسی قرار داد. نتیجه تحقیقات وی مشخص کرد که با افزایش درآمد زنان می‌توان انتظار کاهش احتمال باروری را داشت، در حالی که افزایش درآمد مردان احتمال باروری را افزایش خواهد داد. با افزایش قدرت چانه‌زنی زنان در تصمیم‌گیری‌ها می‌توان انتظار کاهش تعداد دفعات باروری را داشت.

رحیمی در سال ۱۳۹۳ در پایان‌نامه خود عوامل مؤثر بر باروری زیر سطح جانشینی در بین زنان شاغل حداقل یکبار ازدواج کرده ۳۹-۱۵ ساله‌ی شهر زنجان می‌پردازد، نمونه مورد بررسی در مرحله اول یک نمونه خوشه‌ای چندمرحله‌ای و در مرحله بعد نمونه‌گیری سهمیه‌ای است که در سه منطقه شهر زنجان به تعداد ۴۰۰ نفر اجرا شده است. در این پژوهش، دو فرضیه وضعیت اشتغال و موقعیت اجتماعی - اقتصادی قبل از کنترل سایر متغیرهای مستقل با رفتار باروری رابطه معناداری داشتند.

میرزایی احمدی (۱۳۹۳) در رساله خود به بررسی تاثیر اشتغال بر گرایش به باروری در بین زنان شاغل و غیر شاغل تهران پرداخت. یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین اشتغال و گرایش به باروری رابطه معنی دار با سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد. به طوری که زنان شاغل گرایش به باروری کمتری دارند. دلپاک (۱۳۸۵) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی اشتغال زنان بر باروری، تحقیقی در بین زنان شاغل و غیر شاغل در شهر کرج» نتیجه‌گیری کرده است

۱. Hoem

که اشتغال زنان به عنوان یکی از شاخص‌های مشارکت زنان در حیات اقتصادی و اجتماعی و باروری و زادوولد به‌عنوان یکی از شاخص‌های تأثیرگذار بر رشد جمعیت، همواره مورد توجه اندیشمندان و برنامه‌ریزان بوده است. از آنجاکه یکی از وظایف زنان در جوامع مختلف، به دنیا آوردن فرزند و تربیت فرزند است، نقش عوامل جمعیتی در شرکت زنان در نیروی کار اهمیت فراوان دارد.

پیشینه تحقیقات در زمینه روابط اشتغال و رفتارهای باروری نشان می‌دهد فعالیت‌های شغلی زنان می‌تواند بر میزان باروری و تمایل زنان به باروری اثر مستقیمی بگذارد. در اکثر پژوهش‌ها اشتغال زنان ارتباط مستقیمی بر میزان باروری و یا تمایل آنها به باروری داشته است. زنان شاغل ممکن است به علت امنیت شغلی خود دیرتر ازدواج کنند که با افزایش سن ازدواج و کاهش طول دوره باروری، تعداد بچه‌ها نیز کاهش می‌یابد. باروری کمتر موجب می‌شود زنان برای فعالیت‌های خارج از منزل زمان بیشتری داشته باشند و جذب بازارهای شغلی بیرون از منزل شوند.

داده و روش

روش مورد استفاده در این تحقیق تحلیل ثانویه می‌باشد. رایج‌ترین روشی که اطلاعات مورد نیاز از سراسر کشور جمع‌آوری شود، یا از داده‌های موسسات یا محققان دیگر استفاده شود، تحلیل ثانویه می‌باشد. (دواس ۱۳۹۱: ۸۱) تمامی داده‌ها از پژوهشکده آمار ایران دریافت شده است. این پژوهشکده، داده‌ها را در سال ۱۳۹۳ از بین کلیه جوانان در آستانه ازدواج که جهت آموزش‌های قبل از ازدواج به مراکز آموزش ازدواج وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مراجعه کرده‌اند، جمع‌آوری کرده است. که جامعه آماری آن، ۷۷۴۱۹۳ نفر است که نمونه‌ای از زنان و مردان به ترتیب ۶۴۰۷ و ۶۴۵۱ نفر انتخاب شد. از تعداد کل زنان ۱۵۴۶ نفر (۱،۲۴ درصد) شاغل می‌باشند که از این تعداد ۳۶۴ نفر (۵،۲۳ درصد) در بخش عمومی، ۶۰۶ نفر (۲،۳۹ درصد) در بخش خصوصی، ۲۵ نفر (۰،۱۶ درصد) در بخش تعاونی و ۵۵۱ نفر (۰،۳۵ درصد) در بخش شغل آزاد فعالیت می‌کنند. همچنین روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای و طبقه‌ای می‌باشد. به طوری که، در مرحله اول همه ۳۱ استان کشور در نمونه قرار گرفته‌اند و در مرحله دوم از هر استان، سه شهرستان (شهرستان اول مراکز استان‌ها و دو شهرستان بعدی، دو شهرستان از هر استان به ترتیب با جمعیت کم و متوسط) با توجه به جمعیت و استقرار

جغرافیایی انتخاب گردیده‌اند (کازمی‌پور و دیگران: ۱۳۹۳، ۳۱). برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. در این تحقیق، برای توصیف داده‌ها از جداول فراوانی و برای تبیین از ضرایب کای اسکوتر و تی مستقل استفاده گردیده است.

یافته‌ها:

ابتدا به آزمون این فرضیه می‌پردازیم که آیا بین زنان شاغل و غیر شاغل در تمایل به فرزندآوری تفاوت وجود دارد یا خیر؟ و اگر این رابطه از نظر آماری معنادار شد، آنگاه به تحلیل‌های بیشتر در رابطه با اثرات وضعیت اشتغال و نگرش زنان به فرزندآوری خواهیم پرداخت. در جدول شماره (۱) میانگین تعداد فرزندان مطلوب زنان شاغل و غیر شاغل با استفاده از آزمون T دو گروه مستقل بررسی شده است.

جدول (۱): تفاوت میان زنان شاغل و غیر شاغل در تعداد فرزندان مطلوب

Sig.	d.f	T	میانگین بچه‌های زنان غیر شاغل	میانگین بچه مطلوب زنان شاغل
۰/۰۰۰۱	۲۹۷۸	-۶/۱۹	۲/۴	۲/۰۱

نتایج آزمون مقایسه گروهی نشان می‌دهد که بین زنان شاغل و غیر شاغل در تعداد فرزندان مطلوب تفاوت معنادار وجود دارد. به طوری که تعداد فرزندان مطلوب زنان غیر شاغل به طور متوسط چهار دهم بیشتر از زنان شاغل است. این فرضیه با ضریب اطمینان ۹۹ درصد مورد تایید واقع شد. همچنین آزمون لون (سطح ناهمگنی واریانسها) نیز تایید شده است. بعد از اینکه فرضیه فوق از لحاظ آماری تایید شد، حال به دنبال پاسخگویی به این سوال هستیم که آیا تفاوت‌های درون گروهی در بین زنان شاغل در زمینه فرزندآوری وجود دارد یا خیر؟ و این تفاوتها بیشتر در بین چه گروه‌های شغلی است.

جدول (۲): تحلیل واریانس مقایسه میانگین نوع شغل و فرزندآوری در بین زنان شاغل

نتیجه آزمون	F	سطح معنادری	توان آزمون
گروه‌های وضعیت شغلی	۴/۸۰۴	۰/۰۰۲	۰/۹۱

نتایج تحلیل واریانس نشان می‌دهد که بین میانگین گروه‌های شغلی زنان شاغل از نظر رفتار باروری تفاوت معنادار وجود دارد (جدول ۲). این فرضیه در سطح خطای کمتر از یک درصد و در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تایید واقع شد. برای اینکه به تفاوت بین گروه‌ها در رفتارهای باروری زنان پی ببریم، در ادامه با استفاده از آزمون تعقیبی شفه به بررسی تفاوت‌های رفتار باروری زنان بر حسب گروه‌های شغلی می‌پردازیم.

جدول شماره (۳) نشان دهنده نتایج آزمون شفه برای بررسی تفاوت بین زیرگروه‌های شغلی در ارتباط با رفتار باروری است. بر این اساس فقط، تفاوت رفتار باروری بین شغل آزاد و خصوصی مورد تایید واقع شد. این تفاوت در سطح معناداری ۹۵ درصد تایید شده است. در بقیه موارد که تفاوت‌ها را به صورت گروه‌های دو به دو نشان می‌دهد با توجه به اینکه سطح معناداری آنها بالای ۰۵ شده است، تفاوتی بین آنها مشاهده نگردیده است.

جدول (۳): آزمون شفه برای بررسی تفاوت بین گروه‌های وضعیت شغلی از نظر فرزندآوری

وضعیت شغلی	میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری
عمومی	خصوصی	۰/۱۵	۰/۰۸
	تعاونی	۰/۲۴	۰/۶۱
	شغل آزاد	-۰/۰۲	۰/۹۹
خصوصی	عمومی	-۰/۱۵	۰/۰۸
	تعاونی	۰/۰۹	۰/۹۷
	شغل آزاد	*-۰/۱۷	۰/۰۱
تعاونی	عمومی	-۰/۲۴	۰/۶۱
	خصوصی	-۰/۰۹	۰/۹۷
	شغل آزاد	-۰/۲۶	۰/۵۳
شغل آزاد	عمومی	۰/۰۲	۰/۹۹
	خصوصی	۰/۱۷	۰/۰۱
	تعاونی	۰/۲۶	۰/۵۳

*با ضریب اطمینان ۹۵٪ تفاوت‌های درون گروهی معنادار است.

جدول شماره ۴ درصد زنان را در هر یک از گروه‌های شغلی بر حسب تعداد فرزندان دلخواه نشان می‌دهد، چنانکه ملاحظه می‌شود ۸۰,۴۸ درصد زنان خواستار یک تا دو بچه هستند،

۱۷,۳۲ درصد زنان خواستار ۳ الی ۴ فرزند و ۱,۶۴ درصد زنان خواستار فقط یک بچه هستند. طبق ارقام مندرج در جدول، زنان شاغل در بخش‌های تعاونی و خصوصی به ترتیب با ۸۴ و ۸۳,۲ درصد بیشترین تمایل را برای داشتن یک یا دو فرزند دارند. این در حالی است که هیچ یک از زنان شاغل در بخش تعاونی تمایل ندارند که تعداد فرزندانشان ۵ یا بیشتر از آن باشد. همچنین زنان شاغل در بخش تعاونی، نسبت به دیگر بخش‌ها تمایل بیشتری به عدم فرزندآوری دارند. نیز، زنان شاغل در بخش عمومی (۲۱,۷ درصد) و زنان شاغل در بخش آزاد (۱۹,۸ درصد) تمایل بیشتر به بیش از دو فرزند داشته‌اند. شاید به این دلیل که زنان شاغل در بخش عمومی و دولتی در راستای انجام وظایف شغلی، فشار نقش بیشتری را متحمل می‌شوند و لذا خواستار تعداد بچه‌های کمتری هستند.

جدول (۴): درصد تمایلات زنان شاغل به فرزندآوری بر اساس نوع شغل

جمع	تمایل به فرزندآوری				گروه‌های شغلی
	۵ فرزند یا بیشتر	۳-۴ فرزند	۱-۲ فرزند	صفر فرزند	
۱۰۰	۰/۵	۲۱/۷	۷۶/۶	۱/۱	عمومی
۱۰۰	۰/۳	۱۵	۸۳/۲	۱/۵	خصوصی
۱۰۰	صفر	۱۲	۸۴	۴/۰	تعاونی
۱۰۰	۱/۱	۱۹/۸	۷۸/۶	۰/۵	شغل آزاد
۱۰۰	۰/۵	۱۷/۲۳	۸۰/۴۸	۱/۶۴	جمع

جدول (۵): توزیع زنان شاغل بر حسب گروه‌های سنی و تعداد فرزندان دلخواه

جمع	فرزندان دلخواه				گروه‌های سنی
	۵ فرزند یا بیشتر	۳-۴ فرزند	۱-۲ فرزند	صفر فرزند	
۱۰۰	صفر	۳۰	۷۰	صفر	۱۴-۱۰
۱۰۰	صفر	۲۱/۶	۷۸/۴	صفر	۱۹-۱۵
۱۰۰	۰/۵	۱۸/۸	۷۹/۸	۰/۸	۲۴-۲۰
۱۰۰	۰/۹	۱۸/۲	۷۹/۶	۱/۲	۲۹-۲۵
۱۰۰	۰/۷	۱۶/۸	۸۰/۹	۱/۶	۳۴-۳۰
۱۰۰	صفر	۱۷/۷	۸۱	۱/۳	۳۹-۳۵
۱۰۰	صفر	۹/۵	۹۰/۵	صفر	۴۴-۴۰
۱۰۰	۰/۶	۱۸/۲	۸۰	۱/۱	جمع

جدول شماره ۵، توزیع زنان شاغل بر حسب گروه‌های سنی و تعداد فرزندان دلخواه را نشان می‌دهد. چنانکه ارقام مندرج در جدول نشان می‌دهد ۳۰ درصد زنان ۱۴-۱۰ ساله خواستار ۳-۴ بچه هستند، اما هر چه به گروه‌های سنی بالاتر می‌رویم، درصد زنان برای داشتن ۳-۴ بچه کمتر می‌شود. بطوریکه در گروه سنی ۴۴-۴۰ ساله به ۹،۵ درصد می‌رسد. با استفاده از یافته می‌توان استنتاج نمود که هر چه سن زنان افزایش می‌یابد تعداد فرزندان ایده‌آل آنها کاهش می‌یابد. شاید این مسئله ناشی از تجربیات فرزندآوری‌های اولیه و ثانویه مادران باشد.

در گروه‌های سنی میانی (۲۵-۳۹) الگوی خاصی مشاهده می‌شود، به این ترتیب که در این گروه‌ها تمایل به بی‌فرزندی افزایش می‌یابد و نیز تمایل به داشتن بیش از دو فرزند نیز قابل مشاهده است. در جدول ۵ ملاحظه می‌شود که بیش از ۹۰ درصد زنان شاغل در گروه سنی ۴۴-۴۰ ساله متمایل به داشتن یک یا دو فرزند بوده‌اند. در حالی که در تمایل به داشتن ۳ یا ۴ فرزند، با بالاتر رفتن سن، تمایل به فرزند کمتر شده است. به صورت کلی، اکثریت زنان شاغل (۸۰ درصد) تمایل دارند که یک یا دو فرزند داشته باشند. در حالی که فقط شش دهم درصد زنان شاغل تمایل دارند که ۵ فرزند یا بیشتر را داشته باشند.

جدول شماره شماره ۶، نشان‌دهنده تفاوت‌های استانی در فرزندان دلخواه در بین زنان شاغل است. در بین زنان شاغلی که تمایل به داشتن یک یا دو فرزند هستند، استان گیلان با ۹۲ درصد

در رتبه نخست قرار دارد. استان‌های البرز با ۸۹,۷ و فارس با ۸۸ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در مقابل ۳۵,۷ درصد زنان شاغل در استان چهارمحال بختیاری خواستار ۲-۱ فرزند هستند، و ۵۷,۱ درصد آنها خواستار ۴-۳ بچه هستند. همچنین ۴۵ درصد زنان شاغل در استان ایلام خواستار ۲-۱ بچه هستند، در حالیکه ۵۵ درصد آنها خواستار ۴-۳ بچه هستند. ۵۰ درصد زنان شاغل استان کهگیلویه و بویر احمد خواهان ۲-۱ بچه و ۵۰ درصد نیز خواستار ۴-۳ بچه هستند. همچنین ۵ درصد از زنان شاغل در استان کرمان تمایلی به داشتن فرزند ندارند. در حالی که در بین زنان شاغل استان‌هایی که تمایل به داشتن پنج فرزند و بیشتر دارند، استان قم با ۵,۴ درصد در رتبه نخست قرار دارد. سه استان چهارمحال بختیاری، ایلام و کهگیلویه و بویر احمد با یک انحراف ۱۰ درصدی از سایر استانها خواستار تعداد بچه‌های بیشتری هستند، این الگوی تفاوت‌های استانی تا حدود زیادی از درجه توسعه یافتگی استانها تبعیت می‌کند، بطوریکه استانهای توسعه یافته مثل گیلان، البرز و فارس تمایل کمتری به بچه دارند. البته در این زمینه استثناءهای جالبی به چشم می‌خورد. استان کردستان با وجود اینکه از درجه توسعه یافتگی بالایی برخوردار نیست اما تمایل به کم فرزند در این استان چشم‌گیر است، شاید بتوان اینگونه متصور شد که تحولات فرهنگی و تغییر نگرشها در زمینه باروری در این مناطق بیش از شرایط و عوامل اقتصادی نقش داشته است.

جدول (۶): درصد تمایلات زنان شاغل به فرزندآوری در بین استان‌ها^۱

استان	۱-۲ فرزند	۳-۴ فرزند	استان	۱-۲ فرزند	۳-۴ فرزند
گیلان	۹۲	۸	مرکزی	۷۵/۶	۲۴/۴
البرز	۸۹/۷	۱۰/۳	بوشهر	۷۵	۲۵
فارس	۸۸	۱۰	خراسان رضوی	۷۳/۹	۲۵/۲
قزوین	۸۷/۱	۹/۷	خراسان جنوبی	۷۳/۷	۲۶/۳
کردستان	۸۵/۷	۹/۵	لرستان	۷۰/۶	۲۹/۴
تهران	۸۵/۴	۱۲	خوزستان	۶۹	۳۱
مازندران	۸۵/۳	۱۴/۷	کرمانشاه	۶۸	۳۲
آذربایجان غربی	۸۵/۲	۱۴/۸	اردبیل	۶۶/۷	۳۳/۳
سمنان	۸۳/۳	۱۶/۷	هرمزگان	۶۵/۶	۳۱/۳
زنجان	۸۳/۳	۱۶/۷	سیستان و بلوچستان	۶۳/۶	۳۶/۴
آذربایجان شرقی	۸۲/۹	۱۴/۳	قم	۵۹/۵	۳۵/۱
یزد	۸۲/۸	۱۳/۸	کهگیلویه و بویر احمد	۵۰	۵۰
گلستان	۸۲/۴	۱۷/۶	ایلام	۴۵	۵۰
خراسان شمالی	۸۱/۳	۱۸/۸	چهارمحال بختیاری	۳۵/۷	۵۷/۱
همدان	۸۰	۲۰	جمع	۸۳/۳	۱۶/۷
اصفهان	۸۰	۱۶/۹			

جدول شماره ۷ درصد زنان شاغل بر حسب تعداد فرزندان دلخواه و گروه شغلی به تفکیک استانهای کشور را نشان می‌دهد. ۷۶/۶ درصد زنان شاغل در بخش عمومی تمایل دارند که تعداد یک یا دو فرزند داشته باشند. در بین استان‌ها نیز، تمامی زنان شاغل استان گلستان علاقه دارند که تعداد یک یا دو فرزند داشته باشند. همچنین در بین زنان شاغلی که تمایل به عدم فرزندآوری دارند، استان کردستان با ۱۶ درصد در رتبه نخست قرار دارد. همچنین ۶۶/۷ درصد از زنان شاغل در بخش عمومی استان ایلام و کهگیلویه و بویر احمد تمایل دارند که سه یا ۴ فرزند داشته باشند. بر طبق ارقام مندرج در جدول شماره ۷، تمامی زنان شاغل در بخش خصوصی استان‌های گیلان، کرمان، زنجان، سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و شمالی تمایل دارند

^۱ دو درصد از استان فارس، ۲/۳ درصد از اصفهان، پنج درصد کرمان، یک درصد خراسان رضوی، ۴/۸ درصد کردستان، ۳/۲ قزوین، دو درصد تهران و ۳/۴ درصد از استان یزد تمایل به عدم داشتن فرزند دارند. همچنین، ۲/۹ درصد آذربایجان شرقی، ۳/۱ درصد هرمزگان، ۵ درصد از ایلام، یک درصد از اصفهان، ۵/۴ درصد قم، ۷/۱ درصد چهارمحال و بختیاری و نیم درصد از زنان شاغل تهران تمایل دارند که بیش از چهار فرزند داشته باشند.

که تعداد یک یا دو فرزند داشته باشند، در حالیکه، همه زنان شاغل بخش خصوصی در استان چهارمحال و بختیاری تمایل دارند که سه یا چهار فرزند داشته باشند. نتایج نشان می‌دهد که به جز استان‌های قزوین و مازندران، تمامی زنان شاغل در بخش تعاونی در دیگر استان‌ها، تمایل دارند که تعداد یک یا دو فرزند داشته باشند. نیمی از زنان شاغل بخش تعاونی استان قزوین، تمایل به عدم فرزندآوری و نیمی دیگر تمایل دارند که یک یا دو فرزند داشته باشند. همچنین تمامی زنان شاغل تعاونی در استان مازندران، تمایل به داشتن سه یا چهار فرزند هستند. هیچ یک از زنان شاغل در بخش تعاونی، تمایل به داشتن پنج و یا بیشتر از پنج فرزند، ندارند. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که در بین زنان شاغل در بخش آزاد، نیم درصد به عدم فرزندآوری، ۷۸,۶ درصد به داشتن یک یا دو فرزند، ۱۹,۸ درصد به سه یا چهار فرزند و فقط ۱,۱ درصد به داشتن بیش از چهار فرزند تمایل دارند. آذربایجان غربی و همدان با ۱۰۰ درصد در بین افرادی که تمایل به داشتن یک یا دو فرزند هستند، در رتبه نخست قرار دارند.

جدول (۷): درصد زنان شاغل بر حسب تعداد فرزندان دلخواه و گروه شغلی به تفکیک استان

استان	عمومی ^۱		خصوصی ^۲		تعاونی ^۳		شغل آزاد ^۴	
	۱-۲ فرزند	۳-۴ فرزند	۱-۲ فرزند	۳-۴ فرزند	۱-۲ فرزند	۳-۴ فرزند	۱-۲ فرزند	۳-۴ فرزند
آذربایجان شرقی	۸۸/۹	۱۱/۱	۸۵/۷	۱۴/۳	۱۰۰	صفر	۷۸/۳	۱۳
فارس	۸۹/۷	۱۰/۳	۸۷/۸	۸/۲	۱۰۰	صفر	۸۵/۷	۱۴/۳
گلستان	۱۰۰	صفر	۶۶/۷	۳۳/۳	۱۰۰	صفر	۸۰	۲۰
اصفهان	۷۳/۹	۲۶/۱	۸۲/۳	۱۲/۹	۵۰	۵۰	۷۹/۵۰	۱۸/۲
خراسان رضوی	۷۳/۷	۲۱/۱	۸۱	۱۹	۱۰۰	صفر	۶۸/۸	۳۱/۳
خراسان شمالی	۷۵	۲۵	۱۰۰		۱۰۰	صفر	۷۱/۴	۲۸/۶
خوزستان	۵۸/۳	۴۱/۷	۷۵	۲۵	۱۰۰	صفر	۶۱/۱	۳۸/۹
کردستان	۸۳/۳	۱۶/۷	۷۵	۲۵		۱۰۰	۹۰	۱۰
مازندران	۱۰۰	صفر	۸۰	۲۰	۵۰	صفر	۸۸/۲	۱۱/۸
قزوین	۸۰	۲۰	۹۱/۷	۸/۳	۱۰۰	صفر	۹۱/۷	۸/۳
قم	۶۶/۷	۳۳/۳	۶۲/۵	۳۱/۳	۱۰۰	صفر	۵۰	۴۲/۹
سمنان	۸۰	۲۰	۹۳/۸	۶/۳	۱۰۰	صفر	۷۱/۴	۲۸/۶
تهران	۸۴/۳	۱۲/۹	۸۴/۵	۱۳/۱	۱۰۰	صفر	۸۷/۱	۹/۹
آذربایجان غربی	۷۷/۸	۲۲/۲	۸۰	۲۰	۸۴	۱۲	۱۰۰	صفر
البرز	۹۰	۱۰	۸۸	۱۲	صفر	صفر	۹۱/۳	۸/۷
اردبیل	۵۰	۵۰	۸۰	۲۰	صفر	صفر	۶۰	۴۰
بوشهر	۷۵	۲۵	۶۶/۷	۳۳/۳	صفر	صفر	۸۰	۲۰
سیستان و بلوچستان	۶۰	۴۰	۱۰۰	صفر	صفر	صفر	۵۰	۵۰
آذربایجان شرقی	۸۸/۹	۱۱/۱	۸۵/۷	۱۴/۳	صفر	صفر	۷۸/۳	۱۳
گیلان	۹۰	۱۰	۱۰۰	صفر	صفر	صفر	۸۵/۷	۱۴/۳
همدان	۵۰	۵۰	۸۷/۵	۱۲/۵	صفر	صفر	۱۰۰	
هرمزگان	۷۶/۹	۲۳/۱	۵۰	۵۰	صفر	صفر	۵۸/۸	۳۵/۳
ایلام	۳۳/۳	۶۶/۷	۴۰	۶۰	صفر	صفر	۵۵/۶	۳۳/۳
کهگیلویه و بویر احمد	۳۳/۳	۶۶/۷	۷۵	۲۵	صفر	صفر	۵۰	۵۰
کرمان	۷۰	۳۰	۱۰۰	صفر	صفر	صفر	۸۰	۲۰
کرمانشاه	۸۵/۷	۱۴/۳	۷۰	۳۰	صفر	صفر	۵۰	۵۰
خراسان جنوبی	۵۰	۵۰	۱۰۰		صفر	صفر	۷۵	۲۵
لرستان	۶۲/۵	۳۷/۵	۶۶/۷	۳۳/۳	صفر	صفر	۸۳/۳	۱۶/۷
مرکزی	۷۱/۴	۲۸/۶	۸۳/۳	۱۶/۷	صفر	صفر	۷۲/۷	۲۷/۳
چهارمحال بختیاری	۲۸/۶	۵۷/۱	صفر	۱۰۰	صفر	صفر	۶۰	۴۰
یزد	۷۷/۸	۲۲/۲	۷۵	۲۵	صفر	صفر	۹۱/۷	۸/۳
زنجان	۷۱/۴	۲۸/۶	۱۰۰		صفر	صفر	۸۳/۳	۱۶/۷

۱. ده درصد از زنان شاغل بخش عمومی در استان کرمان، ۵/۳ درصد استان خراسان رضوی، ۱۶/۷ درصد کردستان و ۱/۴ درصد از زنان شاغل بخش عمومی استان تهران تمایل به عدم فرزندآوری هستند. در حالی که، ۱۴/۳ درصد استان چهارمحال و بختیاری و ۱/۴ درصد تهران علاقه مند به داشتن ۵ فرزند و یا بیشتر هستند.
۲. ۴/۱ درصد از زنان استان فارس، ۳/۲ درصد اصفهان، ۲/۴ درصد تهران و ۱۲/۵ درصد از زنان شاغل در بخش خصوصی استان یزد به عدم فرزندآوری تمایل داشته اند. همچنین، ۱/۶ درصد از زنان شاغل بخش خصوصی در استان اصفهان و ۶/۳ درصد از استان قم تمایل به داشتن ۵ فرزند و یا بیشتر بوده اند.
۳. ۵۰ درصد از زنان استان قزوین در بخش تعاونی به عدم داشتن فرزند تمایل داشتند. همچنین وجود کادراهی خالی در ستون های شغل تعاونی نشان دهنده عدم وجود زنان شاغل بخش تعاونی در این استان ها می باشد.
۴. دو درصد از استان تهران و ۲/۳ درصد از اصفهان تمایل دارند که هیچ فرزندی نداشته باشند. نیز، ۸/۷ درصد از زنان شاغل آزاد آذربایجان شرقی، ۵/۹ درصد از هرمزگان، ۱۱/۱ درصد از ایلام، ۷/۱ درصد قم و یک درصد از زنان تهران علاقه دارند که بیش از ۴ فرزند به دنیا بیاورند.

در جدول شماره ۸ تفاوت‌های استانی در فاصله‌گذاری بین موالید در بین زنان شاغل به نمایش گذاشته شده است. در بین زنان شاغل، هرمزگان با ۷۸/۱ و ایلام با ۷۵ و یزد با ۶۹ درصد تمایل دارند تا فاصله مطلوب بین فرزندان سه تا پنج سال باشد. در حالیکه، استان‌های فارس با ۳۷ درصد، اردبیل با ۳۸ درصد و کرمانشاه با ۴۰ درصد تمایل به فاصله ۲ تا ۵ سال بین فرزندان دارند. استان سیستان و بلوچستان، برخلاف تصور رایج فقط ۹/۱ درصد تمایل دارند که فاصله سال‌های مطلوب بین فرزندان کمتر از سه سال باشد و ۶۳/۶ درصد زنان شاغل این استان تمایل دارند که فاصله سنی مطلوب بین فرزندان سه تا پنج سال باشد.

استان‌هایی که تمایل دارند فاصله سنی بین فرزندان بیشتر از ۵ سال باشد، به ترتیب استان‌های همدان با ۴۵ درصد، سمنان با ۴۱/۷ درصد و خوزستان با ۴۱/۴ درصد به ترتیب در رتبه‌های نخست قرار دارند. زنان شاغل در استان چهارمحال و بختیاری، تمایلی به داشتن فاصله سنی بیشتر از پنج سال ندارند، این در حالی است که زنان شاغل در این استان بالاترین درصد را (۴۲/۹ درصد) را در بین زنانی که تمایل دارند فاصله سنی مطلوب بین فرزندان کمتر از سه سال باشد، را دارند.

جدول (۸): تفاوت‌های استانی در فاصله گذاری بین موالید در بین زنان شاغل

چارک	کمتر از سه سال	۲ تا ۵ سال	بالای ۵ سال
کمتر از ۲۵ درصد	زنجان (۵/۶)، سمنان (۸/۳)، سیستان و بلوچستان (۹/۱)، همدان (۱۰)، یزد (۱۰/۳)، هرمزگان (۱۲/۵)، کهگیلویه و بویر احمد (۱۲/۵)، کردستان (۱۴/۳)، گلستان (۱۴/۷)، خوزستان (۱۵/۵)، خراسان جنوبی (۱۵/۸)، خراسان رضوی (۱۶/۲)، مازندران (۱۷/۶)، قم (۱۸/۹)، ایلام (۲۰)، گیلان (۲۲)، آذربایجان شرقی (۲۲/۹)، البرز (۲۳/۸)، اردبیل (۲۳/۸)، تهران (۲۴/۶)، بوشهر و کرمان (۲۵)		بوشهر (۱۰)، ایلام (۱۰)، خراسان شمالی (۱۸/۱)، یزد (۲۰/۷)، مرکزی (۲۲)، کهگیلویه و بویراحمد (۲۵)
۲۵ - ۵۰ درصد	اصفهان (۲۷/۷)، قزوین (۲۹)، لرستان (۲۹/۴)، آذربایجان غربی (۲۹/۶)، خراسان شمالی (۳۱/۳)، کرمانشاه (۳۲)، فارس (۳۴)، مرکزی (۳۴/۱)، چهارمحال و بختیاری (۴۲/۹)	فارس (۳۷)، اردبیل (۳۸/۱)، کرمانشاه (۴۰)، لرستان (۴۱/۲)، خوزستان (۴۳/۱)، اصفهان (۴۳/۱)، خراسان رضوی (۴۳/۲)، البرز (۴۳/۷)، مرکزی (۴۳/۹)، آذربایجان غربی (۴۴/۴)، همدان (۴۵)، کرمان (۴۵)، قزوین (۴۵/۲)، آذربایجان شرقی (۴۵/۶)، گیلان (۴۶)، کردستان (۴۷/۶)، تهران (۴۸/۸)، سمنان، گلستان، مازندران و خراسان شمالی (۵۰)	قزوین (۲۵/۸)، آذربایجان غربی (۲۵/۹)، خراسان جنوبی (۲۶/۳)، تهران (۲۶/۶)، قم (۲۷)، سیستان و بلوچستان (۲۷/۳)، کرمانشاه (۲۸)، فارس (۲۹)، اصفهان (۲۹/۲)، لرستان (۲۹/۴)، کرمان (۳۰)، آذربایجان شرقی (۳۱/۴)، گیلان (۳۲)، مازندران (۳۲/۴)، البرز (۳۲/۵)، گلستان (۳۳/۳)، اردبیل و کردستان (۳۸/۱)، زنجان (۳۸/۹)، خراسان رضوی (۴۰/۵)، خوزستان (۴۱/۴)، سمنان (۴۱/۷)، همدان (۴۵)
۵۰ - ۷۵ درصد	قم (۵۴/۱)، زنجان (۵۵/۶)، چهارمحال و بختیاری (۵۷/۱)، خراسان جنوبی (۵۷/۹)، کهگیلویه و بویراحمد (۶۲/۵)، سیستان و بلوچستان (۶۳/۶)، بوشهر (۶۵)، یزد (۶۹)، ایلام (۷۰)		
بالای ۷۵ درصد	هرمزگان (۷۸/۱)		

نتیجه‌گیری

طی دهه گذشته میزان‌های باروری کل در همه استانهای کشور با کاهش اساسی روبه‌رو بوده است. وضعیت اقتصادی خانوارها به ویژه اشتغال یکی از عواملی است که بر رفتار باروری نقش قابل ملاحظه‌ای دارد. در فرهنگ ایرانیان، همواره مردان به کارهای بیرون از منزل مشغول بوده‌اند و زنان وظیفه خانه‌داری و تربیت فرزندان را بر عهده داشته‌اند. طی سالهای اخیر با افزایش حضور زنان در مراکز آموزش عالی، تمایلات آنها برای مشارکت اقتصادی و اجتماعی بیشتر افزایش یافته است. آمار اشتغال زنان حاکی از این می‌باشد که طی سال‌های گذشته، تعداد زنان شاغل در کارهای بیرون از منزل افزایش یافته و در حال حاضر نیز روز به روز بر تعداد زنان شاغل افزوده می‌شود. این مطالعه بدنبال پاسخگویی به است سوال بود که وضعیت اشتغال زنان چه روابطی به رفتار باروری آنها دارد. یکی از فرضیات مهم در این تحقیق وجود تفاوت بین زنان شاغل و غیر شاغل در تمایل به فرزندآوری بود. این فرضیه با توجه به سطح معناداری مورد تایید واقع گرفت. به طوری که تمایل زنان غیر شاغل به فرزندآوری بیشتر از زنان شاغل بود. این فرضیه همسو با تحقیق دی‌لات (۲۰۰۶) مبنی بر تمایل کمتر زنان شاغل به فرزندآوری می‌باشد. همچنین این فرضیه همسو با نتایج پژوهش رحیمی (۱۳۹۳) و میرزایی-احمدی (۱۳۹۳) بود که در آن اشتغال زنان و نگرش آنها به باروری رابطه معناداری وجود داشت. همچنین رابطه بین اشتغال زنان و فاصله‌گذاری بین مولود مورد تایید واقع شد که همسو با تحقیق شانگلو (۲۰۰۴) مبنی بر افزایش فاصله مولید بر اثر اشتغال زنان می‌باشد. به صورت کلی و با توجه به پیشینه تحقیق، اشتغال زنان یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر میزان باروری می‌باشد. نتایج مطالعه نشان داد که بیش از ۸۰ درصد زنان شاغل تمایل دارند که تعداد یک یا دو فرزند داشته باشند. در حالیکه فقط ۰/۶ درصد از زنان شاغل دوست دارند بیش از چهار فرزند داشته باشند. تفاوت درصدی اندکی در نگرش به فرزندآوری در بین زنان شاغل در گروه‌های شغلی (تعاونی، عمومی، تخصصی و آزاد) وجود دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که زنان شاغل در گروه‌های شغلی ایده‌ها و نگرش‌های نسبتاً مشابهی در خصوص فرزندآوری دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که نگرش زنان شاغل به فرزندآوری در بین استان‌ها متفاوت است. در بین استان‌ها، ۵۰ درصد زنان شاغل استان‌های ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و چهارمحال و بختیاری تمایل دارند که بیش از دو بچه داشته باشند. در اکثر استان‌ها، زنان تمایل شدیدی به داشتن یک یا دو فرزند دارند و در بین آنها، استان گیلان با ۹۲ درصد در رتبه نخست قرار دارد. در استان سیستان و بلوچستان که بالاترین میزان باروری کل در ایران را دارا می‌باشد، تمایل به

داشتن فرزند زیاد (پنج فرزند و بیشتر) بسیار پائین است. یکی از عوامل کاهش باروری، افزایش فاصله‌گذاری بین موالید می‌باشد. فقط ۲۲/۸ درصد از زنان شاغل تمایل دارند که فاصله بین فرزندان آنها کم و زیر سه سال باشد. این درصد نشان می‌دهد که اکثر زنان شاغل دوست دارند که فاصله سنی مطلوب زیادی بین فرزندانشان داشته باشند. استان‌های فارس و مرکزی در بین استان‌های کشور، بیشترین تمایل را دارند که فاصله سنی مطلوب بین فرزندانشان کمتر از سه سال باشد. درحالی‌که استان‌های خراسان رضوی، خوزستان و سمنان بیشترین تمایل را دارند که فاصله بین فرزندانشان از پنج سال بیشتر باشد. زنان شاغل در استان چهارمحال بختیاری، هیچ تمایلی به فاصله سنی بیشتر از پنج سال در بین فرزندان را ندارند.



منابع

- [۱] پروین، سهیلا (۱۳۹۳). اثر فعالیت اقتصادی و زنان ویژگی خانوارها بر باروری، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اقتصاد.
- [۲] دواس، دی. ای (۱۳۸۰). پیمایشی در تحقیقات اجتماعی، ترجمه: هوشنگ نایی، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- [۳] رشیدی، ابراهیم (۱۳۸۰). بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جمعیتی موثر بر باروری در شهر دهقان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- [۴] زنجانی، حبیب الله و بیات، معصومه (۱۳۸۹). بررسی تاثیر اشتغال بر کیفیت زندگی زنان شهر مشهد، مجله جامعه شناسی معاصر، شماره ۲، ۱۷۱-۱۹۰.
- [۵] ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش، چاپ اول.
- [۶] سالنامه آماری. (۱۳۹۰). معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی مرکز آمار ایران.
- [۷] سرایی، حسن (۱۳۷۶). گذار جمعیتی ایران: ملاحظات مقدماتی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۹، ۱-۱۹.
- [۸] سرایی، حسن (۱۳۸۵). تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران، نامه انجمن جمعیت شناسی، شماره ۲، ۳۷-۶۰.
- [۹] عباسی شوازی، محمدجلال (۱۳۸۰) همگرایی رفتارهای باروری در ایران / میزان روند و الگوی سنی باروری در استان‌های کشور در سال‌های (۱۳۵۱ و ۱۳۷۵)، مطالعات جامعه‌شناختی، شماره ۱۸ (۱۸).
- [۱۰] عباسی شوازی، محمدجلال و حسینی چاووشی، میمنت (۱۳۹۰). تحولات باروری، تنظیم خانواده و سیاست‌های جمعیتی در ایران، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۴۸.
- [۱۱] فروتن، یعقوب (۱۳۷۴). باروری و عوامل موثر بر آن مطالعه موردی شهرستان رامسر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- [۱۲] فروتن، یعقوب (۱۳۸۷). رهیافت جمعیت‌شناختی به اشتغال زنان: با ملاحظاتی بر وضعیت ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران. شماره ۶، ۱۷۱-۱۹۲.
- [۱۳] کاظمی پور، شهلا و علی‌رضا زاهدیان، محدثه صفاکیش، زهرا رضایی قهرودی، محمد اسلامی، حسن عینی زیناب و صفورا عباسی (۱۳۹۴).
- [۱۴] بررسی نحوه نگرش جوانان در آستانه ازدواج و زنان همسرदार ۴۹-۱۵ ساله نسبت به فرزندآوری و شناخت عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی موثر بر آن، گروه پژوهشی طرح‌های فنی و روش‌های آماری.
- [۱۵] محسنی، منوچهر (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی پزشکی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم.
- [۱۶] محمودیان، حسین (۱۳۸۳). سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره ۲۴، ۲۷-۵۴.

- [۱۷] مشفق، محمود حسینی، قربان (۱۳۹۱). آینده پژوهی تغییرات جمعیتی ایران طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۴۲۰، علوم اجتماعی: معرفت فرهنگی اجتماعی. سال چهارم شماره ۲۱، ۱۳-۴۱.
- [۱۸] میرزایی احمدی، طیبه (۱۳۹۳). در رساله خود به بررسی تاثیر اشتغال بر گرایش به باروری در بین زنان شاغل و غیرشاغل (مورد مطالعه منطقه ۳ تهران)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکزی تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- [۱۹] نادری دلپاک، شیوا (۱۳۸۵). بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی مؤثر بر باروری تحقیقی در بین زنان شاغل، غیرشاغل در شهر کرج، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، دانشکده روان شناسی و علوم اجتماعی.

[20] Hoem, J. M. (1990). Social policy and recent fertility change in Sweden. *Population and development Review*, 735-748.

[21] Botting, B., & Cooper, J. (1993). Analyzing fertility and infant mortality by mother's social class as defined by occupation--Part II. *Population Trends*, (74), 27-33.

[22] Casterline, J. B., & National Research Council (US) Committee on Population. (2001). *Diffusion processes and fertility transition: selected perspectives*. National Academies Press (US).

[23] Cleland, J., & Wilson, C. (1987). Demand theories of the fertility transition: An iconoclastic view. *Population studies*, 41(1), 5-30.

[24] De Laat, J., & Sanz, A. S. (2006). Working women, men's home time and lowest-low fertility. Institute for Social and Economic Research, University of Essex.

[25] Grogan, L. (2006). An economic examination of the post-transition fertility decline in Russia. *Post-Communist Economies*, 18(4), 363-397.

[26] Hirschman, C. (1985). Premarital socioeconomic roles and the timing of family formation: A comparative study of five Asian societies. *Demography*, 22(1), 35-59.

[27] Lakshmi, G. R., & Bandyopadhyay, S. S. (1986). Effect of education economic status and occupation on fertility. *Health and Population: Perspectives and Issues*, 9(1), 42-51.

[28] Preston, S. H. (1986). Changing values and falling birth rates. *Population and development review*, 12, 176-190.